

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه الزهرا (س)**

**دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ**

**پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی**

**عنوان**

**مقایسه سبک‌شناسانه‌ی غزلیات سعدی و امیر خسرو دهلوی (۱۰۰ غزل)**

**استاد راهنما**

**دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی**

**استاد مشاور**

**دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان**

**دانشجو**

**سمیرا رحیمی جورابی**

**تیر ۱۳۸۸**

تقدیم به:

او، که منتظر پیچیدن عطر وجودش، در جمعه‌های چشم‌انتظاری‌مان ... هستیم.

## سپاس نامه:

از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق  
از همه عالم نهران و بر همه پیدا (س ۳)  
سپاس و ستایش شایسته‌ی پروردگار یکتایی است که توفیق به انجام رساندن این پژوهش را به من  
ارزانی داشت.

به رسم «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» ارج می‌نهم زحمات:  
دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی که با کمال لطف، راهنمایی این رساله را به عهده گرفتند و صبورانه  
هدایتم کردند.

دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان که مشاور، دوست و امیددهنده‌ام بودند.  
دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی که در سال‌های همکاری نقش استادی‌ام را ایفا کردند.  
پدر و مادرم که بوسه بر دستان پرمهرشان می‌نهم.  
و همسرم که مشوق و یاریگرم بودند.

«و این پایان نیست بلکه آغازی است بر تلاشی دیگر»

## چکیده

یکی از موضوعاتی که در پژوهش‌های ادبی شایسته‌ی بررسی است، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری شاعران از یک‌دیگر و بر یک‌دیگر است.

سعدی از سخن‌سرایانی است که شاعران بسیاری از جمله امیرخسرو دهلوی در غزل‌سرایی از وی تقلید کرده‌اند. از آنجا که علم سبک‌شناسی به سطوح مختلف آثار ادبی اعم از زبان، بلاغت، محتوا و... نظر دارد، این دو اثر از این دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر پس از بررسی نظریه‌های سبک‌شناسان مختلف، روش دکتر شمیسا که برگرفته از دیدگاه استفن اولمن<sup>۱</sup> است مورد استفاده قرار گرفت و غزلیات دو شاعر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی گردید.

امیرخسرو از نظر سطح زبانی در بخش موسیقی بیرونی و کناری در تقلید از سعدی موفق و در موسیقی درونی و معنوی ناموفق است. در سطح نحوی ساختار ابیات سعدی طبیعی‌تر از امیرخسرو است. در سطح بلاغی، بسامد انواع آرایه‌های بدیعی در شعر سعدی بالاتر از امیرخسرو و در سطح فکری، با توجه به اینکه هر دو اثر غزل است، بسیاری از مضامین مشترک است؛ به خصوص در مواردی که امیرخسرو غزلی را به اقتفا از سعدی می‌سراید. امیرخسرو در همه‌ی زمینه‌ها نتوانسته از سعدی پیروی کند و غزل امیرخسرو از امتیاز بلاغت، شیوایی و فراوانی مخاطب غزل‌های سعدی محروم است و سخن سعدی همچنان شاهکار بلامنازع و رقیب‌ناپذیر در عرصه‌ی غزل عاشقانه‌ی فارسی است.

**واژگان کلیدی:** سبک، سعدی، امیرخسرو دهلوی، مقایسه، غزلیات.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه
	فصل اول: کلیات
۲	تعریف سبک
۲	الف) فارسی
۳	ب) لاتین
۴	ج) عربی
۴	جمع‌بندی تعریف سبک از لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها
۴	تلقی قدما از سبک
۶	سبک‌شناسی در جهان غرب
۷	تعاریف سبک شناسان غربی از سبک
۸	مکاتب سبک شناسی
۹	تقسیم‌بندی‌های سبکی
۱۱	دیدگاه‌ها و روش‌های سبک‌شناسانه‌ی چند پژوهشگر
۱۱	ملک‌الشعراى بهار
۱۳	دکتر عبادیان
۱۴	دکتر پورنامداریان
۱۴	دکتر شفيعی کدکنی
۱۵	دکتر شمیسا

## فصل دوم: غزل سرایی سعدی و امیر خسرو

۱۸	تعریف غزل
۱۹	نخستین غزل
۱۹	انواع غزل از نظر محتوا
۲۱	غزل سرایی در قرن هفتم و هشتم
۲۲	غزل سرایی سعدی
۲۵	غزل سرایی امیر خسرو
۲۸	سعدی (زندگی، آثار)
۲۹	امیر خسرو (زندگی، آثار)

## فصل سوم: سطح زبانی

۳۲	الف) سطح آوایی
۳۴	۱- موسیقی بیرونی غزل‌های سعدی و امیر خسرو
۳۷	اوزان دوری
۳۷	۲- موسیقی کناری
۴۰	تکرار کلمات قافیه
۴۱	بدیع در قافیه
۴۲	جناس
۴۳	تسجیع
۴۴	صور خیال در قافیه
۴۴	مشبه به بودن قافیه
۴۴	مجاز

٤٥	.....	كنايه
٤٥	.....	رديف
٤٧	.....	٣- موسيقي دروني
٤٨	.....	جناس
٥٠	.....	تسجيع
٥٢	.....	موازنه و ترصيع
٥٣	.....	تكرار
٥٤	.....	اعنات
٥٥	.....	تكرار مصوت كوتاه
٥٥	.....	سياقه الاعداد
٥٥	.....	تتابع اضافات
٥٦	.....	تنسيق الصفات
٥٦	.....	تكرار مصوت بلند
٥٧	.....	٤- موسيقي معنوي
٥٨	.....	تقابل
٥٨	.....	تلميح
٥٩	.....	ايهام
٦١	.....	ب) سطح لغوي
٦١	.....	١- لغات عربي (سعدى)
٦٢	.....	٢- اسم
٦٤	.....	حروف اضافه



۶۵	صفات
۶۷	بسامد بالای لغات در غزل سعدی
۶۷	لغات عربی (امیر خسرو)
۶۸	اسم
۶۹	حروف اضافه
۷۰	صفات
۷۱	بسامد بالای لغات در غزل امیر خسرو
۷۲	ج) سطح نحوی
۷۲	جملات (سعدی)
۷۵	جابجایی
۷۷	حذف
۷۸	تغییر
۷۹	افعال
۸۱	جملات (امیر خسرو)
۸۳	جابجایی
۸۴	حذف
۸۴	تغییر
۸۵	افعال

#### فصل چهارم: سطح ادبی

۸۸	الف) معانی (سعدی)
۸۸	جملات خبری

- ۹۰ ..... جملات امری
- ۹۱ ..... جملات پرسشی
- ۹۲ ..... جملات عاطفی
- ۹۳ ..... ایجاز
- ۹۳ ..... اطناب
- ۹۳ ..... حصر و قصر
- ۹۴ ..... معانی (امیر خسرو)
- ۹۵ ..... جملات خبری
- ۹۵ ..... جملات امری
- ۹۶ ..... جملات پرسشی
- ۹۶ ..... جملات عاطفی
- ۹۷ ..... ایجاز، اطناب، مساوات
- ۹۷ ..... حصر و قصر
- ۹۸ ..... (ب) بیان (سعدی)
- ۹۸ ..... اضافه‌ی تشبیهی
- ۹۸ ..... تشبیه تفضیل
- ۹۹ ..... تشبیه مرکب
- ۹۹ ..... استعاره
- ۱۰۰ ..... بیان (امیر خسرو)
- ۱۰۰ ..... تشبیه
- ۱۰۰ ..... اضافه‌ی تشبیهی

۱۰۰	تشبیه مرگب.....
۱۰۰	تشبیه تفضیل.....
۱۰۱	استعاره.....
۱۰۱	ج) بدیع (سعدی).....
۱۰۱	تضاد.....
۱۰۲	جان دارانگاری.....
۱۰۲	پارادوکس.....
۱۰۳	اسلوب معادله.....
۱۰۳	ضرب المثل.....
۱۰۳	بدیع امیر خسرو.....
۱۰۳	تضاد.....
۱۰۴	جاندارانگاری.....
۱۰۴	اغراق.....

### فصل پنجم: سطح فکری

۱۰۶	سطح فکری.....
۱۰۷	مضمون غزل های سعدی.....
۱۱۲	مضمون غزل های امیر خسرو.....
۱۱۹	نتیجه گیری.....
۱۲۳	فهرست مطلع غزل های سعدی.....
۱۲۸	فهرست مطلع غزل های امیر خسرو.....
۱۳۹	منابع و مآخذ.....

## فهرست نمودارها

- نمودار ۳-۱ (بحور در غزل‌های سعدی و امیرخسرو) ..... ۳۴
- نمودار ۳-۲ (اوزان در غزل‌های سعدی و امیرخسرو) ..... ۳۵
- نمودار ۳-۳ (انواع قافیه در غزلیات دو شاعر) ..... ۳۸
- نمودار ۳-۴ (بدیع در قافیه‌ی غزل‌های دو شاعر) ..... ۴۱
- نمودار ۳-۵ (انواع ردیف) ..... ۴۶
- نمودار ۳-۶ (انواع جناس) ..... ۵۰
- نمودار ۳-۷ (میزان استفاده از سجع) ..... ۵۲
- نمودار ۳-۸ (موسیقی معنوی) ..... ۶۰
- نمودار ۳-۹ (لغات پر کاربرد غزل‌های سعدی) ..... ۶۷
- نمودار ۳-۱۰ (لغات پر کاربرد غزل‌های امیرخسرو) ..... ۷۱
- نمودار ۴-۱ (انواع جملات) ..... ۹۷

## مقدمه:

یکی از موضوعاتی که در پژوهش‌های ادبی شایسته‌ی بررسی است مسئله‌ی تأثیر و تأثر شاعران از یکدیگر و بر یکدیگر است؛ سعدی از حیث تأثیرگذاری در ردیف شاعران بزرگی چون فردوسی، نظامی و حافظ است، که در آثار خود از جمله غزلیات مقلدان فراوانی پیدا کرده است. دایره‌ی تأثیر سعدی از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفته و آوازه و تأثیر سخنش شاعران سرزمین‌های دیگر را نیز مجذوب کرده است، یکی از این شاعران امیرخسرو دهلوی است که در غزل‌سرایی خود را پیرو سعدی می‌داند و به سعدی هندوستان شهرت یافته است.

با توجه به تأثیر غزل‌سرایی سعدی بر امیرخسرو باید نحوه و میزان این تأثیرپذیری را مشخص کرد، یکی از راه‌های بررسی این تأثیر و تأثر مقایسه‌ی سبک شناسانه‌ی غزلیات این دو شاعر با یکدیگر است، تا در پرتو آن زبان‌آوری هر یک از شعرا، از توازن‌های آوایی و معنایی گرفته تا واژه‌گزینی و ساختار گروه‌های اسمی و فعلی و جمله‌بندی‌ها و کاربردهای حروف، اسامی و افعال در انواع متعدد و همچنین میزان بهره‌مندی هر یک از این شاعران از صنایع بلاغی و آرایه‌های بدیعی مورد بررسی قرار گیرد.

هشت قرن متمادی از تأثیر سعدی بر امیرخسرو سخن به میان آمده ولیکن به درستی میزان، حدود و نحوه‌ی این تأثیر و تأثر، وجوه اشتراک و اختلاف آن دو مشخص نگردیده و با کلی‌گویی از قبیل اینکه امیرخسرو در غزل‌سرایی پیرو سعدی است، از کنار موضوع گذشته و از کالبدشکافی آن تن زده‌اند. هدف ما در این پژوهش بررسی سایر مشخصه‌های سبک‌شناختی این دو شاعر در عرصه‌ی غزل است تا در پرتو آن هم میزان تقلید سعدی از امیرخسرو مشخص شود و هم رمز و راز و علل و اسباب ماندگاری و تقلیدناپذیری استاد سخن، سعدی، معلوم گردد.

در رابطه با آثار سعدی پژوهش‌های بسیاری انجام شده و گواه آن کثرت کتاب‌ها و مقالات درباره‌ی سعدی و آثار اوست. در میان این پژوهش‌ها گلستان و بوستان سهم بیش‌تری را به خود اختصاص داده و غزل‌های سعدی خصوصاً از دیدگاه سبکی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌های

مربوط به امیرخسرو نیز مقایسه‌ی آثار داستانی او با داستان‌های مشابه ادب فارسی به خصوص داستان‌های نظامی قسمت عمده را شامل می‌شود و به غزل او کمتر پرداخته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش دکتر شمیسا – که برگرفته از نظریات استغن اولمن است – غزلیات دو شاعر مورد بررسی قرار گرفته است. غزل‌ها در سه فصل و در سه سطح زبانی، بلاغی و فکری با استفاده از بسامد و حجم تقریبی نمونه‌ها بررسی شده و پس از تحلیل در صورت لزوم نتیجه‌ی آن بر روی نمودار نشان داده است.

نمونه‌های انتخاب شده بر اساس فراوانی قوافی صورت گرفته و از غزل‌های الحاقی این دو شاعر برای بررسی نمونه‌ها استفاده نشده؛ همچنین ۴۰ غزل که امیرخسرو به اقتفا از سعدی سروده نیز در بین غزل‌ها گنجانده شده که در بخش فهرست غزل‌ها این ۴۰ غزل با علامت ستاره مشخص شده‌اند. اگرچه حوزه‌ی این پژوهش صد غزل انتخابی می‌باشد اما در بسیاری از موارد به مطالعه‌ی دیگر غزلیات دو شاعر می‌پرداختم تا در نتیجه‌گیری مصیب‌تر باشم؛ (اما تمام بسامدها و درصدها مربوط به صد غزل انتخابی است).

شیوه‌ی این تحقیق کتابخانه‌ای – تحلیلی است که بعد از انتخاب غزل‌ها به گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری با مراجعه به کتابخانه‌ها و مؤسسات فرهنگی و پژوهشی پرداخته شد. نسخه‌ی مورد استفاده از غزلیات سعدی، براساس تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی نشر سخن و نسخه‌ی غزل‌های امیرخسرو، کلیات غزلیات او به جمع و تصحیح اقبال صلاح‌الدین چاپ لاهور است. یکی از مشکلات قابل ذکر در انجام این پژوهش نسخه‌ی انتخاب شده از غزلیات امیرخسرو بود که تنها یک دوره‌ی چهار جلدی در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی موجود است که برای انتخاب و مطالعه‌ی غزل‌ها به آنجا مراجعه می‌کردم؛ در جریان جابه‌جایی فرهنگستان زبان از خیابان شهید احمد قصیر به جنب کتابخانه‌ی ملی مدتی در کار پژوهش وقفه ایجاد شد. همچنین حجم غزل‌های امیرخسرو (۱۹۸۱ غزل)

تقریباً سه برابر غزل‌های سعدی (۷۱۵ غزل) است که مدت زمان زیادی صرف انتخاب غزل‌های این شاعر شد.

تلاش پژوهنده این بود که در حد بضاعت این دو اثر را از جنبه‌های مختلف مطالعه و تحلیل کند؛ نگارنده بر کاستی‌های اثر واقف است لذا از اساتید محترم که این اثر را داوری می‌کنند خواهان گوشزد کردن کاستی‌ها و ضعف‌ها می‌باشم تا در اصلاح نهایی، نظر عزیزان را ملاک و میزان قرار دهم.

# فصل اوّل

## کلیّات



## تعریف سبک

با توجه به سخن ویتاگرداف - سبک‌شناس روسی - که می‌گوید: " در ادبیات کمتر اصطلاحی را می‌توان یافت که از مفهوم سبک ذهنی‌تر و مبهم‌تر باشد " (شمیسا؛ ۱۳۸۰؛ ص ۱۵) برای وضوح این مفهوم به تعاریف این اصطلاح می‌پردازیم.

### الف: فارسی:

سبک در لغت: [sabk] "در لغت تازی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره در قالب است و سبیکه پاره‌ی نقره‌ی گداخته را گویند." (بهار؛ ۱۳۸۱؛ ص ۱۵)

در اصطلاح ادبیات: "عبارت است از روش خاص ادراک بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب و طرز تعبیر که معادل Style اروپایی است." (همان؛ ۱۶)

دهخدا "سبک را در اصطلاح ادبیات عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر دانسته، او معتقد است سبک اثر ادبی وجهه‌ی خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه‌ی خود وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره‌ی «حقیقت» است بنابراین سبک به معنی عام خود عبارت است از: تحقق ادبی یک نوع ادراک جهان که خصایص اصلی خود را در اثر منظوم یا منثور مشخص می‌سازد. (دهخدا؛ ۱۳۴۹؛ ج ۲۸؛ ص ۲۴۹)

"عبارت از روش خاصی که شاعر یا نویسنده ادراک یا احساس خود را بیان می‌کند؛ یعنی طرز بیان ما فی‌الضمیر دانسته است." (معین؛ ۱۳۷۸؛ ج ۲؛ ص ۱۸۱۸)

مصاحب: "شیوه‌ی خاص شاعر یا نویسنده برای بیان مطالب و اندیشه‌های خود که مشخص اثر او از آثار ادبی دیگر است، سبک نامیده و از عوامل اصلی در تعیین سبک را به نوع الفاظ و ترکیبات، جمله‌بندی‌ها و طرز تعبیر معانی یاد کرده است." (مصاحب؛ ۱۳۴۵؛ ص ۱۲۵۸)

در منابع متأخر در ادبیات، سبک به روشی اطلاق شده که شاعر و نویسنده برای بیان موضوع خود برمی‌گزیند یعنی شیوه‌ی گفتن او است. شاعر و نویسنده به واسطه‌ی سبک، در تمام مراحل کار خود از

انتخاب موضوع گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تألیف عناصر گوناگون، تأثیر خود را بر جای می‌نهد.  
(داد؛ ۱۳۸۵؛ ص ۲۷۵)

دانشنامه‌ی ادب فارسی: "ویژگی‌های متکرر و مشترک در آثار شاعر یا نویسندگان یا دوره‌ای خاص را سبک نامیده است. و از دیدگاه‌های گوناگون تعریف کرده است. از دیدگاه اندیشگی و جهان‌بینی سبک را حاصل درون‌نگری و جهان‌نگری خاصی دانسته است که در شیوه‌ی بیانی ویژه‌ای پدیدار می‌شود. از دیدگاه زبانی، سبک را گزینه‌ای ویژه از واژگان، تعبیرها و عبارتها توسط شاعر یا نویسنده خوانده است." (انوشه؛ ۱۳۷۵؛ ج ۱؛ ص ۴۵۸)

و بالأخره به "شیوه‌ی خاصی که نویسنده یا شاعر برای بیان مفاهیم خود به کار می‌برد سبک اطلاق شده و در مباحث جدیدتر، سبک را انحراف یا تمایزی دانسته‌اند که در شیوه‌ی بیان هر کسی نسبت به دیگر شیوه‌های بیان وجود دارد و به عبارت دیگر، سبک یعنی انحراف از نرم (norm) یا هنجار بیان دیگران" (میرصادقی؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۲۴)

### **(ب) لاتین**

به نظر آبرامز "سبک روش توضیح زبان‌شناسی در نظم و نثر است و این همان طرز بیان گوینده یا نویسنده است درباره‌ی هر چیزی که قصد بیان آن را دارد. وی معتقد است ویژگی‌های سبک یک اثر یا نویسنده مربوطه به عوامل زیر است:

۱- کیفیت گزینش کلمات

۲- ساختمان و نحو جملات

۳- تعدد گونه‌های زبان بلاغی و بدیعی

۴- الگوهای وزن و جنبه‌های موسیقایی

۵- نوع جملات: ۱- جملات متناوب<sup>۱</sup> ۲- جملات نامتناوب<sup>۱</sup> " (Abrams ; 1971; P 314)

---

۱- اجزای جمله به گونه‌ای تشکیل شده که تا پایان یافتن جمله، تکمیل احساسات معلق می‌ماند و پایان جمله با تمام شدن معنی همزمان است یعنی جمله وقتی کامل می‌شود که جمله از حیث دستوری نیز پایان یابد و شنونده تا پایان در حالت کنجاوی باقی بماند.

دائرةالمعارف بریتانیکا: "سبک را عبارت از امکان گزینش در میان گونه‌های مختلف بیان می‌داند."

(Encyclopedian ; 1968 ; Vol , 21 ; P 332)

و تلقی فرهنگ و بستر از سبک "اسلوب یا شیوهی بیان در زبان و طرز بیان اندیشه‌ها در قالب کلمات

است." (Webster ; Vol ; 11, P 1810)

## ج) عربی

معجم مصطلحات الادبیه (مجدی وهبه): "سبک را روشی از روش‌های انسان در بیان مکتوب

مافی‌الضمیر دانسته و در کتاب دراسته و نقد فی مسائل بلاغة‌هامة " (مجدی وهبه؛ ۱۹۷۹؛ ص ۵۴۲)

"سبک به طریقه‌ی تفکر و صورتگری و تعبیر اطلاق شده است." (فاضلی؛ ۱۳۶۵؛ ص ۳۶۸)

## جمع‌بندی تعریف سبک از لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها:

همان‌گونه که مشاهده شد در همه‌ی تعاریف ارائه شده از سبک به طرز یا شیوه‌ی خاص بیان و گفتار

تأکید شده و اینکه هر شاعر یا نویسنده‌ای برای ادای مقصود خود طرز خاصی را برمی‌گزیند که با

شیوه‌ی دیگر شاعران و نویسندگان متفاوت است.

## تلقی قدما از سبک

### الف: شاعران و سبک:

مفهوم سبک از دیرباز در ذهن شعرا و نویسندگان وجود داشته‌است، شاعران قدیم ایران در آثار خود

لغاتی چون طرز، شیوه، سیاق، رسم و ... را تقریباً مترادف با آنچه امروزه ناظر بر واژه‌ی سبک است

آورده‌اند به ویژه هنگامی که می‌خواستند ویژگی‌های شعری خود را بیان کنند و یا هنگام اشاره به شعر

دیگر شاعران و برتری نهادن شعر خود بر شعر آنان (تفاخر به نیکو بودن شعر خود) اصطلاحات مذکور

را به کار می‌بردند بی آنکه تعریف روشن و واضحی از آن ارائه دهند.

---

۱- جمله‌ی نامتناوب: جمله‌ای که برای گفتگو و محاوره راحت‌تر و مؤثرتر است و در آن اجزای جمله ادامه می‌یابد. اما ارتباط جمله‌ها سست است و با جابه‌جایی یک جمله یا یک بخش معنا لطمه‌ای نمی‌بیند.

نمونه‌ها:

- شعر ظهیر گرچه سر آمد ز جنس نظم  
با **طررز** انوری نزنند لاف همسری  
بر اوج مشتری نرسد تیر نظم او  
خاصه‌گه ثناگری و مدح گستری  
(همگر؛ ۱۳۷۵؛ ص ۲۸۵)
- منصفان استاد دانندم که در معنی و لفظ  
شیوهی تازه نه رسم باستان آورده‌ام  
خاقانی آن کسان که **طریق** تو می‌روند  
زاغند و زاغ را روش کبک آرزوست  
(خاقانی؛ ۱۳۸۵؛ صص ۲۵۸ و ۶۵)
- به قیاس شیوهی من که نتیجه‌ی نو آمد  
همه **طرزهای** کهنه کهن است و باستانی  
(نظامی؛ ۱۳۸۵؛ ص ۳۴۹)
- به **طررز** تازه قسم یاد می‌کنم صائب  
که جای طالب آمل در اصفهان پیداست  
به فکر صائب از آن می‌کنند رغبت خلق  
که یاد می‌دهد از **طررز** حافظ شیراز  
(صائب؛ ۱۳۶۸؛ ج ۵، ص ۲۳۱۳)
- گزیده‌ام روش **خاص** کاندیرین هنجار  
به پویه پای بلغزد ظهیر و سلمان را  
(غالب دهلوی؛ ۱۹۶۶؛ ص ۳۲۶)

### ب) کتب بلاغی و تذکره‌ها:

در کتاب‌های بلاغی و تذکره‌ها اشارات اندکی به سبک و شیوهی شاعری و نویسندگی شده‌است قدیم‌ترین کتاب در این زمینه ترجمان‌البلاغه‌ی محمدبن‌عمر رادویانی است، که هنگام بحث درباره‌ی شعر، نکاتی در مورد شیوهی (سبک) آنان نیز ذکر کرده‌است که البته بیش‌تر در باب اهمیت و ارزش صنایع بدیعی است. در تذکره‌الشعرا‌ی دولت‌شاه سمرقندی نیز رگه‌هایی از توجه به سبک دیده می‌شود،